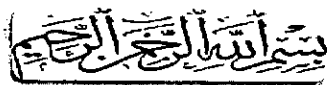


راستی ها و ناراستی ها در خمسه ی نظامی

فاطمه عبدالله پور
دکتر حسین پارسایی
دکتر رقیه رضایی
مهندس سیدصمد هاشمی



عبدالله پور، فاطمه - ۱۳۴۶

راستی ها و ناراستی ها در خمسه نظامی / گردآورنده: عبدالله پور، فاطمه (۱۳۴۶)، «کارشناس ارشد ادبیات فارسی»، پارسایی، حسین (۱۳۴۶)، «دکترای ادبیات فارسی»، رضایی، رقیه (۱۳۵۱)، «دکترای ادبیات فارسی» و هاشمی، سیدصمد (۱۳۴۲) «کارشناس ارشد شیلات» - انتشارات علمی یسنا، چاپ ۱۳۹۲، ۲۵۰ ص

ISBN: 978-600-6832-12-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات: فیبا

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲/۴۰/۲ PIR

رده بندی دیویی: ۸۱/۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۴۲۱۹۹



افزوده شناسه: حسین پارسایی، رقیه رضایی و سیدصمد هاشمی

چاپ: اول - ۱۳۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۳۲-۱۲-۸

عنوان: راستی ها و ناراستی ها در خمسه ی نظامی

نویسندگان: فاطمه عبدالله پور، دکتر حسین پارسایی، دکتر رقیه رضایی و مهندس سیدصمد هاشمی

ویراستار: عاطفه عبدالله پور

ناشر: انتشارات علمی یسنا

تیراژ: ۵۰۰

طراحی و گرافیک: آوا قادری - معصومه عبدالله پور (انتشارات علمی یسنا)

چاپ و صحافی: انتشارات علمی یسنا

فائمشهر: انتشارات علمی یسنا، ۰۹۱۱۱۲۶۰۶۱۱

Email: www.Hashemi.s150@gmail.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه
فصل اول	
۱۳	مقدمه ای بر زندگی و آثار نظامی گنجوی
۱۷	خمسه سرایی در ادب فارسی
۲۱	خمسه ی نظامی
۲۳	اجزاء خمسه ی نظامی
۲۳	مخزن الاسرار
۲۵	خمسرو و شیرین
۲۶	لیلی و مجنون
۲۷	هفت پیکر
۲۸	اسکندر نامه
۲۸	علل تألیف اسکندرنامه
فصل دوم	
۳۱	راستی ها در خمسه نظامی گنجوی
۳۲	صداقت و راستگویی
۳۴	امید و توکل
۳۵	امید و توکل حضرت ابراهیم به خداوند از آتش
۳۸	جود و سخا
۴۰	سخاوتمندی مهین بانو
۴۰	سخاوتمندی شیرین
۴۱	سخاوتمندی نوشابه
۴۱	سخاوتمندی ماریه قبطیه

٤١	توبه
٤٤	شکر در نعمت
٤٥	عهد و وفاداری
٥٠	وفاداری شیرین
٥٢	وفاداری لیلی
٥٤	وفاداری کنیزک محبوب شاه عراق
٥٤	خردمندی و هدایت گری
٥٥	هدایت به عشق حقیقی
٥٥	هدایت و چاره اندیشی برای نجات مملکت
٥٦	هدایت و راهنمایی به رعیت نوازی
٥٧	هدایت به اسلام
٥٩	رازداری
٦٢	معرفت
٦٢	همت
٦٤	عدل و عدالت
٧٠	ترک خودپرستی
٧١	عفت و پاکدامنی
٧٣	پاکدامنی شیرین
٧٧	پاکدامنی لیلی
٧٩	پاکدامنی نوشابه
٧٩	پاکدامنی شکر اصفهانی
٧٩	تواضع و فروتنی
٨١	شرم و حیا
٨٢	شرم شیرین در برابر کام جویی خسرو

۸۳	شرم شیرین از نگاه نامحرم.....
۸۳	شرم و حیا لیلی.....
۸۴	زهد و تقوا و پرهیزگاری.....
۸۷	قناعت.....
۸۹	صبر و شکیبایی.....
۹۰	صبر و شکیبایی در مقابل سختی ها.....
۹۱	صبر شیرین در برابر مصائب.....
۹۱	صبر شیرین در برابر رقیب.....
۹۲	صبر شیرین در برابر سخنان گزنده ی خسرو.....
۹۲	صبر شیرین در فراق یار.....
۹۲	صبوری فتنه.....
۹۳	صبر لیلی در فراق یار.....
۹۳	صبر لیلی در برابر سرزنش دیگران.....
۹۳	صبر مادر لیلا در غم خوردن فرزند.....
۹۴	صبر لیلی در تنهایی.....
۹۴	صبر در داستان کنبد سبز.....
۹۵	صبر ملیخا در برابر بدی های همسر.....
۹۵	مهمان نوازی.....
۹۶	فراهم کردن امکانات برای مهمان.....
۹۶	مهمان نوازی نوشابه.....
۹۷	مهمان نوازی شیرین.....
۹۷	مهمان نوازی دختر کُرد صحرائشین.....
۹۸	مهمان نوازی مهین بانو و دادن هدیه به مهمان.....
۹۸	مناعت طبع و اعتماد به نفس.....
۱۰۰	امانت داری.....

۱۰۲.....	شفقت و دلسوزی.....
۱۰۳.....	مهربانی نظامی در باره ی همسرش.....
۱۰۳.....	مهربانی رابعه با سگی تشنه.....
۱۰۳.....	دلسوزی مادر مجنون نسبت به فرزند.....
۱۰۴.....	دلسوزی و مهربانی شیرین نسبت به خسرو.....
۱۰۴.....	مهربانی شیرین با فرهاد.....
۱۰۵.....	شفقت مادر دختر کرد در حق خیر.....
۱۰۵.....	همدردی لیلی با مجنون در ترک پدرش.....
۱۰۵.....	مشورت.....
۱۰۷.....	سفارش به ناپایداری دنیا.....
۱۰۸.....	شجاعت.....
۱۱۰.....	احسان و نیکوکاری.....
۱۱۱.....	پند و اندرز.....
۱۱۳.....	پند و اندرز در خسرو و شیرین.....
۱۱۴.....	خدمت گزاری به همسر.....

فصل سوم

۱۱۵.....	ناراستی ها در داستان ها و پیام های خمرسه نظامی گنجوی.....
۱۱۶.....	دروغ.....
۱۱۸.....	مکر و نیرنگ.....
۱۱۹.....	نیرنگ لیلی.....
۱۲۰.....	نیرنگ شکر اصفهانی.....
۱۲۱.....	نیرنگ پیرزن دربار شاه عراق.....
۱۲۱.....	نیرنگ پیرزن در منظومه ی لیلی و مجنون.....
۱۲۲.....	نیرنگ شیرین.....
۱۲۳.....	حرص و طمع.....

۱۲۴.....	غرور و تکبر.....
۱۲۶.....	حسادت.....
۱۲۹.....	حسادت مریم به شیرین.....
۱۳۰.....	حسادت کنیزان خسرو به شیرین.....
۱۳۰.....	حسادت شکر اصفهانی به شیرین.....
۱۳۱.....	حسادت کنیز مورد علاقه ی شاه عراق.....
۱۳۱.....	حسادت شیرین به رقیبان خود شکر اصفهانی و مریم.....
۱۳۲.....	ظلم و ستم.....
۱۳۸.....	میگساری.....
۱۴۱.....	حس انتقام جویی.....
۱۴۲.....	عدم توجه به شئون اخلاقی.....
۱۴۳.....	ظاهر شدن شیرین با پوشش نامناسب در برابر شاپور.....
۱۴۴.....	رابطه ی شیرین با خسرو قبل از ازدواج.....
۱۴۵.....	رابطه ی ناخوشایند دایه ی شیرین با خسرو.....
۱۴۵.....	رابطه ی ناخوشایند دختر افسانه ای بانوی اقلیم هفتم با خواجه ی باغ.....
۱۴۶.....	رابطه ی بانوی داستان اقلیم اول با پادشاه.....
۱۴۶.....	رابطه ی ناخوشایند کنیزک چینی با اسکندر.....
۱۴۷.....	غضب و شهوت.....
۱۴۸.....	غفلت.....
۱۴۹.....	ریا و ریاکاری.....
۱۵۱.....	خودستایی.....
۱۵۲.....	خیانت.....
۱۵۳.....	خیانت به همسر.....
۱۵۴.....	خودکشی.....
۱۵۵.....	سحر و جادوگری.....

۱۵۶.....	شادمانی در مرگ دیگران.....
۱۵۷.....	دنیا دوستی.....
۱۶۲.....	حسن کلام.....

فصل چهارم

۱۶۵.....	گزیده های اشعار نظامی.....
۱۶۶.....	آغاز سخن (مخزن الاسرار).....
۱۶۹.....	در سیاست و قهر یزدان (مخزن الاسرار).....
۱۷۱.....	در بخشایش عفو یزدان (مخزن الاسرار).....
۱۷۲.....	گفتار در فضیلت سخن (مخزن الاسرار).....
۱۷۴.....	در نعت رسول اکرم (ص) (مخزن الاسرار).....
۱۷۶.....	در معراج (مخزن الاسرار).....
۱۷۹.....	در مقام و مرتبت این نامه (مخزن الاسرار).....
۱۸۱.....	برترین سخن منظوم از مثنوی (مخزن الاسرار).....
۱۸۴.....	در توحید باری (خسرو و شیرین).....
۱۸۶.....	آمزش خواستن (خسرو و شیرین).....
۱۸۸.....	در استدلال نظر و توفیق شناخت (خسرو و شیرین).....
۱۹۰.....	در نعت پیامبر (ص) (خسرو و شیرین).....
۱۹۲.....	در سابقه ی نظم خسرو و شیرین (خسرو و شیرین).....
۱۹۴.....	به نام ایزد بخشاینده (لیلی و مجنون).....
۱۹۹.....	برهان قاطع در حدوث آفرینش (لیلی و مجنون).....
۲۰۳.....	در نعت پیامبر (ص) (لیلی و مجنون).....
۲۰۸.....	سبب نظم لیلی و مجنون.....
۲۱۲.....	به نام ایزد بخشنده (هفت پیکر).....
۲۱۵.....	در نعت پیامبر (ص) (هفت پیکر).....
۲۱۷.....	معراج پیامبر (ص) (هفت پیکر).....
۲۲۰.....	ستایش سخن و حکمت و اندرز (هفت پیکر).....

- ۲۲۷..... در نصیحت فرزند خویش محمد (هفت پیکر)
- ۲۳۰..... به نام ایزد بخشاینده (شرف نامه)
- ۲۳۴..... مناجات به درگاه باری عز شأنه (شرف نامه)
- ۲۳۶..... به نام ایزد بخشاینده (اقبال نامه)
- ۲۳۸..... نیایش به درگاه باریتعالی (اقبال نامه)
- ۲۴۰..... منابع و مأخذ

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم

نظامی گنجوی، در لابلای سروده های خود مخاطب را با ذکر راستی ها و ناراستی ها، بسیار هشدار می دهد؛ این راستی ها و ناراستی ها در بردارنده ی آرای او در باب شعر و شاعری است. اگرچه بعضی از شاعران قبل و بعد از او به این مطلب اشاراتی داشتند، سروده های آنان در این باب از حیث کم و کیف با نظامی قابل مقایسه نیست. راستی ها و ناراستی ها در داستان های خمسه ی نظامی ایده ها و آرای او را درباره ی موضوعات منعکس می کند: «سرودن شعر، کاری است بس دشوار» (زرین کوب، ۱۳۵۵: ۲۹۷). «مگر برای شاعری که فقط به وزن و قافیه و تهی از معنی قناعت کند» (منصور، ۱۳۷۲: ۱۸). نظامی می گوید: کسی کلید گنج سخن را می یابد که پیوسته در حال ریاضت باشد:

«چو خواهی که بر گنج یابی کلید نباید عنان از ریاضت کشید»

فکر قادر به آفرینش سخن بکر نیست، بلکه باید از جان مایه گذاشت تا سخن ارزشمند و نو آفرید. بنابر این نظامی هر کسی را سزاوار سخن گفتن نمی داند:

«بدین دلفریبی سخن های بکر به سختی توان زد از راه فکر»

نظامی عقیده دارد که:

«شاعر تا ابد در شعر خود حضور دارد و هر چه از عمر را صرف بافتن «فروش ازل بافته» کرده جایگزینی دارد که سروده های اوست» (زرین کوب، ۱۳۵۵: ۶۲). درجایی دیگر می گوید: سخنوران در آب دریای سخن خود پنهان و تا ابد زنده اند، به گونه ای که اگر آن ها را طلب نمایند، مانند ماهی سر از آب بیرون می آورند:

«تا نگوئی سخنـوران مردند سر به آب سخن فرو بردند

چون بری نام هر که را خواهی سر برآرد زآب چون ماهی»

در باور نظامی شاعر باید کم گوی و گزیده گوی باشد. هاتف دل نظامی را به کم گویی و گزیده گویی ترغیب نموده و از پرگویی منع می کند:

«سخن بسیار داری اندکی کن یکی را صد مکن، صد را یکی کن

سخن کم گوی تا بر کار گیرند که در بسیار، بد، بسیار گیرند»

«نظامی شاعری صاحب سبک، نوآور و تازه گو است و همین امر رشک حاسدان

را برانگیخته است. وی در قصیده ای به صراحت به این امر اشاره می کند و می گوید

به دلیل حلال خواری مورد آزار حاسدان قرار می گیرم» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۵۲).

«درمخزن الاسرار و لیلی و مجنون و خسرو و شیرین از دشمنی حاسدان شکوه کرده و

به نکوهش آنان پرداخته است». مقالت پانزدهم مخزن الاسرار را به نکوهش رشکبران

اختصاص داده و مقالت بیستم را «وقاحت ابنای عصر» نامیده است. «هاتف غیب او را

از دشمنی حاسدان هشدار می دهد و از او می خواهد حتی یک نفس از آن ها غافل

نباشد». «شاعر در برابر دزدان و ساعیان، لحنی تند دارد و آن ها را بی نمک، روبه،

ژاژخای، سایه، دغل درآی، بی ازرم، سگ، گپی، زردگوش، شب چهارشنبه ی، دزد و

نقب زن می خواند». حکیم نظامی بر پرهیز از درج دروغ در شعر تأکید می کند؛ چرا که

در نظر او کژگویی از ارزش سخن می کاهد. باورهای مذهبی او، و ارزش والایی که

برای سخن قائل است در تنفر او از درج دروغ در شعر بی تأثیر نیست. و نیز می گوید:

«در نظم افسانه ی بهرام گور، حقیقت بیان نشده است، ولی راستی همچنان در میان ما

برقرار است و باید یافته شود». نظامی می گوید: «سخن باید باورکردنی باشد، درغیراین

صورت، دروغ به نظر می رسد. اما دروغ توجیه پذیر را بر راست باورنکردنی ترجیح

می دهد». در قسمت های پایانی شرفنامه بار دیگر لزوم پرهیز از درج دروغ در شعر را

مورد تأکید قرار داده، مدعی می شود: «در مواضعی که ناراستی وجود داشته باشد، آن را

اصلاح نموده و به زیور راستی آراسته، چرا که سخن اگر بر راستی رهنمون نشود هر

چند به ظاهر متعالی باشد، فاقد ارزش است».